

آینده روابط اروپای پسابرگزیت با ایران

مختار صالحی^۱
آرش قدرتی‌فر^۲

چکیده

اتحادیه اروپا در مسیر تبدیل به یک بازیگر تأثیرگذار جهانی، با چالش‌های زیادی مواجه است. در این میان، یکی از چالش‌های جدید، مسئله برگزیت است. موضوع فوق می‌تواند روند همگرایی اتحادیه را با مشکل مواجه سازد. سؤال پژوهش این است که برگزیت چگونه بر رویکرد اتحادیه اروپا در قابل ایران تأثیر گذاشته است؟ فرضیه مقاله مطرح می‌کند، خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، منجر به افزایش نگرانی از گسترش ابهام در مورد آینده اتحادیه اروپا؛ گسترش تفکرات ملی‌گرایانه؛ آینده امنیت اروپا و توجه به بازارهای مصرف جایگزین برای کشورهای عضو اتحادیه می‌شود. در همین راستا، متأثر از چهار شاخص فوق به نظر می‌رسد اروپای پسابرگزیت تلاش می‌کند از طریق تأکید بر دیپلماسی چندجانبه و حضور پررنگ در معادلات جهانی همچون موضوعات مرتبط با ایران کارآمدی خود را به نمایش بگذارد. در این مورد اروپا بر لزوم حفظ و تداوم برجام و مذاکره با ایران در مورد سطح نفوذ آن در خاورمیانه، سیاست متعهد سازی جمهوری اسلامی ایران را دنبال می‌کند. همچنین، در یافته‌های پژوهش به این نکته اشاره می‌شود که عواقب خروج بریتانیا از اروپا منجر به توجه بیشتر اروپا به آینده سیاسی خود شده است و در این میان نقش کشور ایران در چارچوب شاخص‌های فوق از سوی اروپا بیش‌ازپیش مورد توجه قرار می‌گیرد. موضوع بر اساس نظریه همگرایی به بحث گذاشته می‌شود. برای بررسی موضوع از روش پژوهش علی-تبینی استفاده می‌شود.

واژگان کلیدی: پسابرگزیت، اتحادیه اروپا، ایران، متعهد سازی، دیپلماسی چندجانبه.

^۱ استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران، نویسنده مسئول: mo.salehi@umz.ac.ir

^۲ کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه مازندران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۶

Future of Relations of the Post-Berxit Europe with Iran

Mokhtar Salehi¹

Assistant Professor of International Relations University of Mazandaran

Arash Ghodratifar

Master Degree of International Relations University of Mazandaran

Abstract

The European Union has faced with many challenges and difficulties to become an efficient Union. Berxit is one of an important issue that has created a major obstacle on evolution of the European Union. However, EU efforts to manage consequences of that. Questionably, how does the Berxit can impact on EU's Foreign Policy towards Iran? Hypothetically, the countries which are member of EU, have tried to manage the Berxit Consequences, so they are going to preserve and increase their power as an international agent Because EU countries are concerns about the consequences of Berxit that will impact on the process of EU's Integration and uncertainty which are created in EU. This Research shows that exist of Britain from the European Union will have Political and Economic impacts on EU Foreign Policy towards other countries such as Iran. Theoretically, this Essay is based on the Integration Theory. An explanatory method is used to explain that.

Keywords: Post-Brexit, European Union, Iran, Engagement, Multilateral Diplomacy.

مقدمه

بریتانیا یکی از مهم‌ترین کشورهای عضو اتحادیه اروپا بوده و نقش بسیار مهمی در فرایند تصمیم‌گیری در این اتحادیه داشته است. برگزیت همان‌طور که از اسمش پیداست به خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا اشاره می‌کند. برگزیت در کنار مسائل متعددی که برای خود انگلیس به وجود آورده، منجر به گسترش موج ملی‌گرایی در اتحادیه اروپا شده است. نتیجه فوق‌با‌روی کار آمدن ترامپ در امریکا و رشد گروه‌های ملی‌گرا در برخی دیگر از کشورهای اروپا همچون فرانسه، آلمان، اتریش و ایتالیا تشدید

¹ . Corresponding author: mo.salehi@umz.ac.ir

یافته است. در این میان طرفداران تداوم همگرایی در اتحادیه اروپا و مسئولین فعلی اتحادیه تلاش می‌کنند با شیوه‌های مختلف گسترش واگرایی در اتحادیه اروپا را مدیریت کرده و یا حداقل کاهش دهند. در این میان ناکارآمدی اتحادیه اروپا در دو سطح داخلی و بین‌المللی به‌عنوان شعار طرفداران ملی‌گرا و گروه‌های پوپولیستی در اروپا قرار گرفته است (Tell Cremades & Novak, 2017, p.45). اروپا ضمن توجه به راهکارهای داخلی برای پاسخ به انتقادات، تلاش می‌کند در سطح بین‌الملل وجهه و پرستیژ خود به‌عنوان یک بازیگر تأثیرگذار جهانی را حفظ کند. تحولات فوق در حالی در اتحادیه در جریان است که خروج ترامپ از برجام آینده همکاری با ایران و نقش ایران در سیاست خارجی اروپا را دوچندان کرده است. اروپا ایران را گزینه‌ای می‌بیند که می‌تواند از طریق آن دورنمایی از پرستیژ بین‌المللی را برای خود فراهم کند. مسئله خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا به خود اروپا محدود نمی‌شود و این موضوع می‌تواند سایر کشورها از جمله ایران را تحت تأثیر قرار دهد. اتحادیه اروپا در خصوص ایران در دو حوزه اقتصادی و سیاسی - امنیتی رویکرد متفاوتی را در قبال ایران اتخاذ کرده است و بسیاری از سیاست‌های اتحادیه اروپا تحت تأثیر قدرت‌های عمده تصمیم‌گیرنده سیاست خارجی اتحادیه یعنی انگلستان، آلمان و فرانسه اتخاذ گردیده است. بر این اساس بررسی خروج بریتانیا به‌عنوان یکی از اعضای مهم این اتحادیه و تأثیر آن در رویکرد سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال ایران حائز اهمیت است.

در ارتباط با موضوع، پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است. قربانپور نجف آبادی و گودرزی (۲۰۱۶) در مقاله «بحران اقتصادی و مالی اتحادیه اروپا و همگرایی سیاسی و امنیتی اروپایی»، به موضوع بحران اقتصادی و مالی و تأثیراتی که این بحران در عرصه اقتصادی و سیاسی کشورهای عضو داشته است پرداخته‌اند. خالوزاده (۲۰۱۴) در مقاله «چشم‌انداز سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپا» به این مسئله می‌پردازد که سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپایی علی‌رغم اینکه در برخی از زمینه‌های کمتر حساس، باعث اتفاق نظر اعضای اتحادیه اروپایی شده است اما از این پتانسیل برخوردار است که بتواند جایگزین سیاست خارجی ملی کشورهای عضو گردد. موسوی‌زاده (۲۰۱۴) در مقاله «دیدگاه حزب محافظه‌کار بریتانیا در قبال اتحادیه اروپا در نیمه اول قرن بیست‌ویکم»، به موضوع رفتار سیاست خارجی بریتانیا در قبال همگرایی از دیدگاه مراجع بریتانیایی پرداخته و اشاره می‌کند که خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا موجب ازهم‌گسیختگی شدید در حوزه اروپای شمالی و آتلانتیک می‌گردد. احمدی لفورکی (۲۰۱۴) در مقاله «نگاه آلمان به همگرایی اروپایی» به موضوع نگرانی کشورهای عضو اتحادیه اروپا در مورد نوع رفتار آلمان در این اتحادیه و احیای مسئله آلمان به‌خصوص پس از بحران یورو از سال ۲۰۱۰

پرداخته و به این نکته اشاره می‌کند که اروپا نگران مسیری است که آلمان از طریق آن می‌خواهد اروپا را نجات دهد. ایزدی در مقاله «رویکرد فرانسه به اتحادیه اروپا» به دیدگاه فرانسه نسبت به چگونگی برون‌رفت اتحادیه اروپا از بحران مالی و اقتصادی پرداخته و بیان می‌کند که فرانسه کلید بقای اتحادیه اروپا را در تعمیق همگرایی می‌داند. در همین راستا در ۲۲ ژانویه ۲۰۱۸ مرکل صدراعظم آلمان و مکرون رئیس‌جمهوری فرانسه بیانیه مشترکی را برای آینده ادغام اتحادیه اروپا امضا کردند و بر روند تعمیق بیشتر در اتحادیه و تلاش در این زمینه تأکید کردند (Fabbrini, 2018, p.16). در پژوهش‌های خارجی به‌خصوص به زبان انگلیسی در مورد عواقب خروج بریتانیا و تأثیر آن بر اروپا و بریتانیا مورد بحث قرار گرفته است اما در مورد ارتباط این موضوع به کشور ایران و نتایجی که می‌تواند برای ایران به همراه داشته باشد به لحاظ تازگی موضوع، پژوهشی صورت نگرفته است.

در این پژوهش، با به کارگیری روش علی-تبیینی بنا داریم، این نکته را مورد تأکید قرار دهیم که در شرایط کنونی که اتحادیه اروپا از افزایش موج ملی‌گرایی و گسترش واگرایی در داخل خود بیمناک است تلاش می‌کند از موضوعات بین‌المللی وحدت ساز که نشانگر جایگاه و وزن تأثیرگذاری خود در صحنه بین‌الملل است استفاده کند. در واقع نقش ایران و به‌خصوص حمایت اعلانی اروپا از تداوم برجام بعد از خروج ترامپ از آن متأثر از پاسخ اتحادیه اروپا به انتقادات فراروی آن از سوی ملی‌گرایان است.

چارچوب مفهومی: همگرایی در اروپا و چالش برگزیت

نظریه همگرایی بر اساس معیارها و ملاک‌های مختلفی طبقه‌بندی می‌شود. بر پایه نقش و سرنوشت دولت در فرایند همگرایی، نظریه‌ها به دو دسته دولت محور و حکمرانی چندلایه تقسیم می‌شوند. نظریه‌های دولت محور بر نقش تعیین کننده و بنیادی دولت‌ها در فرآیند همگرایی منطقه‌ای در تلاش برای تأمین منافع و قدرت ملی تأکید می‌ورزند و از طرف دیگر، براساس رویکرد نظری حکمرانی چندلایه، در اثر رشد فزاینده تصمیم‌گیری فراملی گرا و منطقه‌ای، دولت‌ها در حال از دست دادن زمینه و فلسفه وجودی خود هستند. این دسته از نظریه‌ها مبتنی بر تجربه همگرایی در اروپاست، چراکه اتحادیه اروپا به صورت اصلی‌ترین تصمیم‌گیرنده در اروپا درآمده است (Dehghani Firouzabadi, 2019, p.91). هنگامی که در مورد مجموعه‌ای از سیاست‌های معطوف و مربوط به روابط بین اعضا یا مناسبات درون منطقه‌ای توافق حاصل گردید، شرکت کنندگان در فرآیند همگرایی مجبور می‌شوند فارغ از اهداف و نیات اولیه، سیاست‌های مشترکی را نسبت به طرف‌های عضو و کشورهای ثالث غیرشرکت کننده اتخاذ کنند و در این فرایند احتمال آن وجود دارد که به ناچار به طور فزاینده‌ای بر نهادهای مرکزی به منظور انجام آن اتکاء نمایند (Schmitter, 1969, p.165).

تحقق موفقیت آمیز اهداف اولیه همگرایی به علت ماهیت تبعیض آمیزشان، موجب عکس العمل خصمانه کشورهای غیرشرکت کننده در فرآیند همگرایی و فعالیت‌ها و اقدامات جمعی و مشترک کشورهای همگرا شده می‌شود. فرایند برون‌گرایی یک پیامد مستقیم سازوکار تسری است. این روند زمانی اتفاق می‌افتد که اتصال و پیوند ذاتی وظایف به درجات و سطوح بالایی در فرایند همگرایی برسد و موجب واکنش خصمانه کشورهای خارجی تأثیر پذیرفته شود. لذا برون‌گرایی یک روند و رویه تکمیلی برای تسری است که تنها به صورت حاشیه‌ای بعضی از ابعاد تعامل بین پویش‌های داخلی نظام همگرا شده و محیط بین‌المللی آن را مورد توجه قرار می‌دهد (Dehghani Firouzabadi, 2015, p.150).

یکی از مبانی مناسب برای بررسی تنوریک همگرایی اروپا، تعریف هاس^۱ از همگرایی است. وی همگرایی را فرایندی قلمداد می‌کند که از طریق آن بازیگران سیاسی از ملیت‌های مختلف؛ وفاداری‌ها، انتظارات و اقدامات سیاسی خود را به سوی مرکز جدیدی که دارای نهادهای فراملی است انتقال می‌دهند (Hass, 1986, p.16). امروزه مشاهده می‌شود که با وقوع بحران اقتصادی اروپا، اجماع داخلی درون دولت‌های ملی دچار تردید گردیده و دیدگاه‌های مختلفی در مورد سیاست‌های اقتصاد ملی به ویژه در بریتانیا مطرح گردید که در نهایت منجر به برگزاری همه‌پرسی جهت خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا شد. با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، اتحادیه در صدد است با دولت‌های عضو اتحادیه به یک سیاست خارجی، امنیتی و دفاعی مشترک مستحکم‌تری دست یابد (Javadi, 2016, p.5).

با گسترش تفکر ملی‌گرایی در اروپا و حمایت دولت ترامپ از آن، فرایند همگرایی در اتحادیه اروپا با مشکل مواجه می‌شود. در واقع، ملی‌گرایی نتیجه‌ای جز افزایش واگرایی میان کشورهای عضو اتحادیه نخواهد داشت. با این تحول، اتحادیه تلاش می‌کند به معضلات و انتقادات مطرح شده از سوی طرفداران ملی‌گرایی پاسخ دهد. با شرایطی که برای اروپا با خروج بریتانیا به وجود آمد برخی از سیاستمداران و دولت‌های عضو طرفدار تفکر جدایی از اروپا و تمرکز زدایی^۲ شدند. آن‌ها معتقدند مسیر اروپای واحد امکان پذیر نیست و شکاف‌های مختلفی در شمال و جنوب و همزمان در شرق و غرب اروپا وجود دارد که مرکزیت زدایی از اروپا با حرکت به سمت مسیری که بریتانیا شروع کرده است آینده نوید بخشی را نشان می‌دهد. در مقابل برخی دیگر از کشورهای عضو، ادغام و همبستگی^۳ بیشتر را برای آینده اتحادیه

¹ Hass

² The Centrifugal Trajectory

³ The Centripetal Trajectory

مورد توجه قرار داده‌اند. در این دیدگاه، خروج کامل بریتانیا از اروپا باعث می‌شود تا اروپا با مدیریت متمرکز امور به سمت ایجاد یک اروپای یکپارچه و قوی‌تر حرکت کند (Cini & Verdun, 2018, p.64). در مورد این دیدگاه که، همگرایی در اروپا بتواند دوام پیدا کند همواره با شک و تردید همراه بوده است. بسیاری از محققین در این مورد به عوامل و متغیرهای مختلفی اشاره کرده‌اند که نشان از شکننده‌گی همگرایی در اروپا دارد. هافمن، از منتقدین همگرایی، معتقد است شکست آشکار فرضیه تسری یا پیش روی افقی - عمودی در اروپا متأثر از دو عامل؛ تنوع واحدهای ملی و نظم بین‌المللی حاکم در این منطقه است. بطور مثال برخورد فرانسه با همگرایی اروپا متأثر از این هدف بود که همگرایی در صورتی خوب است که به ایجاد واحدی بینجامد که اروپا را از شر هرگونه نظم دوقطبی براند و در صورتی بد است که باعث پیوند خوردن فرانسه با آرزوها ملی آلمان گردد. بریتانیا نیز نگاه متفاوتی را در ارتباط با همگرایی در پیش گرفته بود. از نظر انگلیس همگرایی در اروپا متأثر از نگرش‌های جهانی بریتانیا به سیاست خارجی خود بود. در واقع روابط موجود میان کشورهای اروپایی غربی همواره تابع اختلافات آنها در جهان خارج بوده است همواره این نگرانی وجود دارد که زیر سیستم منطقه‌ای^۱ قربانی اعضای آن در رقابت در چارچوب کل سیاست بین‌الملل تبدیل شود (Dougherty & Pfaltzgraff, 2001, p.700). از جمله پاسخ‌هایی که می‌تواند موقعیت و نقش اتحادیه را به‌عنوان یک بازیگر فعال حفظ کند، موضوع ایران و به‌خصوص برجام است؛ به عبارت دیگر، اروپا ناخواسته و متأثر از شرایطی که برای همگرایی آن به وجود آمده است به موضوع ایران و ایفاء یک نقش کارآمد و مؤثر در میانجیگری برای حفظ آن علاقمند شده است. اتحادیه اروپا نماینده یک نهاد چندجانبه بین‌المللی است و برجام نیز محصول سازوکار دیپلماسی چندجانبه است و تضعیف برجام یعنی ناکارآمدی نقش اتحادیه اروپا به مثابه یک بازیگر چندجانبه بین‌المللی تلقی خواهد شد.

نقش و جایگاه بریتانیا در اتحادیه اروپا

پس از جنگ جهانی دوم، تلاش به منظور تحقق اروپای واحد شکل جدی به خود گرفت. دیدگاه مقامات بریتانیا این بود که حاضر نیستند در اروپایی که به صورت فدراسیون اداره شود و پول و پارلمان مشترک داشته باشد، شرکت کنند (Khalozadeh, 1998, p.4). از طرف دیگر، با توجه به اینکه واگذاری حاکمیت ملی بریتانیا به یک نهاد فراملی نه مطلوب بود و نه لازم، باعث شد، جهت‌گیری و رویکرد منفی

^۱ . Regional Subsystem

بریتانیا در مورد پیوستن به اتحادیه اروپا پررنگ‌تر شود (Nugent, 2009, p.48). با این وجود، سیر تحولات پس از آن نشان داد که بریتانیا دریافته است نمی‌تواند مستقل عمل نماید. هدف بریتانیا، گسترش و توسعه بازار تجاری خود و وارد شدن در مقام رهبری اروپای واحد بود (Salmon, 2001, p.31) و در سال ۱۹۷۳، بریتانیا توانست به عضویت جامعه اقتصادی اروپا درآمده و در حوزه یورو، پیوستن در منشور اجتماعی اروپا، پذیرش مقررات شینگن^۱، شناسایی حق اعتصاب در قانون اساسی اتحادیه اروپا اقدام به مخالفت نموده و یا از آخرین کشورهایی بوده که این مقررات را پذیرفت کردند. بر اساس نتایج حدود ۵۱ در صد رأی به خروج از اتحادیه دادند و در حدود ۴۸ در صد نیز به باقی ماندن در اتحادیه اروپا رأی دادند (European Union Committee, 2018, p.5). در حالی مردم بریتانیا رأی به خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا دادند، که عضویت بریتانیا در اتحادیه اروپا به مدت طولانی با شک و تردید همراه بوده و حتی تعهدات ناشی از عضویت در این اتحادیه را به طور کامل انجام نداد (Oliver, 2106, p.2) هر چند در برخی از پژوهش‌های صورت گرفته مربوط به فرایند همکاری و یا ادغام بریتانیا در اروپا بر این نکته تأکید می‌شود که بریتانیا از همان ابتدای همکاری با اتحادیه اروپا چندان تمایلی به ادغام کامل در این اتحادیه نداشته و برنامه خروج از این اتحادیه همواره برای این کشور وجود داشته است (Ramiro Troitiño, Kerikmäe & Chochia, 2018, p.xi).

برگزیت هم اکنون به یکی از مهم‌ترین چالش‌های اتحادیه اروپا تبدیل شده است. اهمیت این موضوع نه تنها به این نکته بر می‌گردد که بریتانیا اولین کشوری است که ساز جدایی زده و از اروپا خارج می‌شود بلکه بریتانیا عضو مهم و قدرتمند اتحادیه بوده و خروج از آن عواقب اقتصادی و سیاسی سنگینی بر روی ادغام و تکامل اتحادیه اروپا بر جای می‌گذارد و آینده اروپا را با ابهام مواجه ساخته است. در کنار بحران خروج بریتانیا، بحران حوزه یورو^۲، بحران مهاجرت^۳ و بحران حکمرانی^۴ در اتحادیه و افزایش شک و

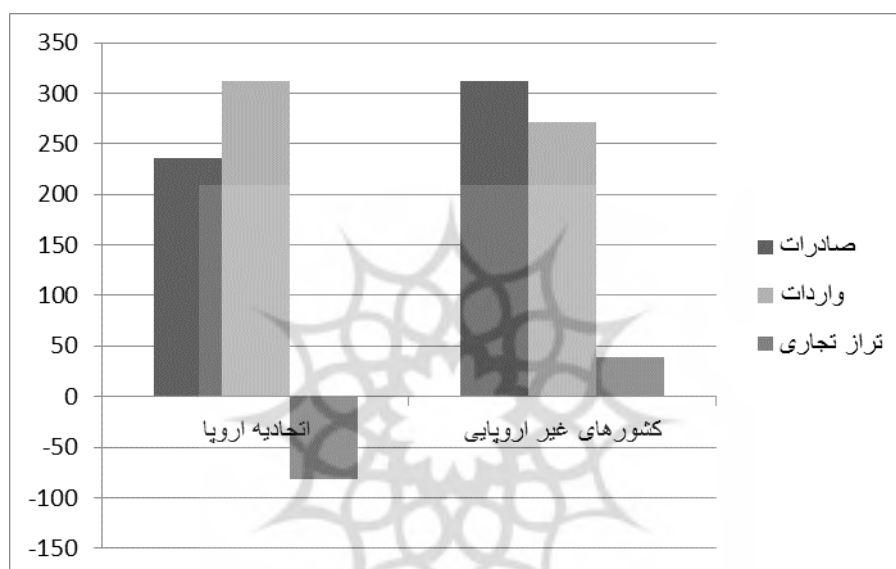
۱. حوزه شنگن یا منطقه شنگن، به ۲۶ کشور اروپایی گفته می‌شود که قانون کنترل گذرنامه در بدو ورود را برای شهروندان این منطقه حذف کرده‌اند.

۲. The Eurozone

۳. Migration

۴. Governance Crises

تردید نسبت به آینده اتحادیه اروپا^۱ نیز موجی از نگرانی را در میان مقامات این اتحادیه بوجود آورده است (Nugent, 2018, pp.54-55). برای بررسی بیشتر موضوع، لازم است به روابط اقتصادی و تجاری بریتانیا و اروپا نیز توجه شود. در سال ۲۰۱۶، انگلستان، کالاها و خدمات خود را به ارزش ۲۳۶ میلیارد یورو به دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا صادر می‌کرد. این میزان معادل ۴۳/۱ درصد از کل صادرات انگلستان است. محصولات و خدمات وارداتی بریتانیا از اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۶ به ارزش ۳۱۲ میلیارد یورو (۵۳/۹ درصد از کل) بود. علاوه بر این بریتانیا دارای کسری تجاری ۸۲ میلیارد یورویی با اتحادیه اروپا در این سال بوده است. در نمودار زیر میزان مبادلات تجاری بریتانیا با اتحادیه اروپا و کشورهای غیر اروپایی در سال ۲۰۱۶ نمایش داده شده است (Ward, 2017, p.4).

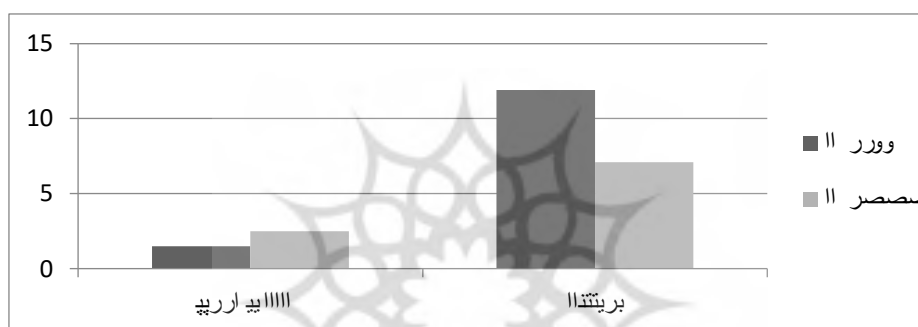


نمودار (۱): مبادلات تجاری بریتانیا با اتحادیه اروپا و کشورهای غیر اروپایی در سال ۲۰۱۶ (برحسب میلیارد یورو)
(Office for National Statistics, 2017)

همچنین، سهم صادرات بریتانیا از اتحادیه اروپا به تدریج کاهش یافته است. در سال ۲۰۰۶، اتحادیه اروپا ۵۴ درصد از صادرات بریتانیا را به خود اختصاص داده بود؛ اما این میزان تا سال ۲۰۱۶ به ۴۳ درصد

^۱. The Crisis of Rising Euroscepticism.

کاهش پیدا کرد، در حالی که در سال ۲۰۰۲، ۵۸ درصد واردات بریتانیا از اتحادیه اروپا بود. در سال ۲۰۱۱، این میزان به ۵۰ درصد کاهش پیدا کرد و در سال ۲۰۱۶ با کمی افزایش به ۵۴ درصد رسید (Ward, 2017, p.4). این میزان در مقایسه با سال ۲۰۱۵ می‌تواند قابل توجه باشد. صادرات اتحادیه اروپا به انگلستان بالغ بر ۳۰۶ میلیارد یورو بود. واردات اتحادیه اروپا از انگلستان تنها به ۱۸۴ میلیارد یورو می‌رسید. به لحاظ میزان سهم از تولید ناخالص داخلی، صادرات اتحادیه اروپا به انگلستان، ۲/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را شامل می‌شود. در حالی که صادرات بریتانیا به اتحادیه اروپا ۷/۵ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور است و واردات انگلستان از اتحادیه ۱۱/۹ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور است. همچنین واردات اتحادیه اروپا از انگلستان ۱/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی این اتحادیه است (Emerson et al., 2017, p.10). در نمودار زیر تجارت متقابل کالا میان اتحادیه اروپا و بریتانیا تا قبل از آغاز برگزیت بر اساس تولید ناخالص داخلی را ملاحظه می‌کنیم.



نمودار (۲): تجارت متقابل میان اتحادیه اروپا و بریتانیا در سال ۲۰۱۵ بر اساس درصد تولید ناخالص داخلی (Office for National Statistics, 2016)

موارد فوق نشان می‌دهد، بریتانیا دارای کسری بزرگ تجاری با اتحادیه اروپا (تقریباً ۷۰ میلیارد یورو معادل ۳٫۷ درصد تولید ناخالص داخلی) در سال ۲۰۱۵ بوده است. همچنین سهم از تولید اقتصادی کل بریتانیا به اروپا بسیار بیشتر از نسبت خروجی اروپا برای انگلستان بود (Aylward, 2017, p.1). با این حال اقتصاددانان معتقدند که برگزیت^۱ می‌تواند هزینه‌های قابل توجهی در درجه اول در بریتانیا و سپس با

^۱. Brexit

شدت و ضعف‌های متفاوت نسبت به اتحادیه اروپا داشته باشد. یکی از این تأثیرات می‌تواند در خصوص زنجیره‌های تولیدی یکپارچه مانند صنایع هوافضا و خودرو، مشکلات آشکاری را ایجاد کند. محدود کردن جریان آزاد سرمایه بین قاره‌ای، نه تنها برای مؤسسات مالی مستقر در لندن، بلکه برای فرصت‌های تأمین مالی در سراسر اروپا می‌تواند تأثیر منفی داشته باشد (Bildt, 2017, p.3). با وجود واقعیت‌های اقتصادی فوق، برگزیت آغاز شد و در آینده نزدیک روند خروج بریتانیا از اروپا تکمیل خواهد شد. این موضوع بر موقعیت اقتصادی و استراتژیک اتحادیه اروپا تأثیرگذار خواهد بود و نه تنها اروپا با مسائل فوق به ناچار باید روبرو شود، بلکه در کنار آن تهدیدات مهمی همچون ملی‌گرایی و رادیکال سیاسی برخی از کشورهای عضو همبستگی در درون اتحادیه را با مشکل مواجه می‌سازد. رویکرد تهاجمی روسیه در قبال اروپا در مرزهای شرقی و آشوب در جهان عرب و افریقا نشانگر این موضوع است که تهدیدات امنیتی نسبت به اروپا از بعد از جنگ سرد تاکنون بی‌سابقه بوده است (Chalmers, 2018, p.3). به همین دلیل، اتحادیه اروپا به دنبال آن است که تأثیرات برگزیت را به نحوی از انحاء کنترل نموده و تا حد امکان شرایطی را ایجاد نماید که این اتحادیه بتواند کارآمدی خود را در موضوعات مهم بین‌المللی از جمله مسائل مرتبط با پرونده هسته‌ای ایران و نفوذ ایران در خاورمیانه افزایش دهد.

برگزیت و رویکرد اروپا در قبال ایران

در ابتدا این طور به نظر می‌رسید که موضوع خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا خیلی نمی‌تواند بر روابط اتحادیه با کشورهای غیر اروپایی به خصوص در قامت و اندازه کشوری مثل ایران تأثیرگذار باشد؛ اما در ادامه استدلال می‌شود که مسئله برگزیت بر رویکرد اتحادیه اروپا نسبت به ایران نیز بطور غیر مستقیم تأثیرگذار است. برگزیت نه تنها باعث توجه بیشتر اتحادیه اروپا به ایران شده است بلکه در مقابل برای ایران نیز چالش‌ها و فرصت‌های مختلفی را ایجاد کرده است. در کل، موارد تأثیرگذار خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و نقش آن در سیاست اروپا نسبت به ایران را می‌توان در چهار شاخص به بحث گذاشت. نخست، خروج بریتانیا از اتحادیه، منجر به افزایش نگرانی کشورهای عضو از گسترش ابهام در مورد آینده اروپا می‌شود. اروپا در تلاش است از طریق تمرکز بر موضوعات بین‌المللی همچون ایران نگرانی در مورد آینده سیاسی اروپا را تقلیل دهد؛ دوم، برگزیت بر نگرانی از گسترش تفکرات ملی‌گرایانه در اروپا افزوده است. ایستادگی در مقابل تفکرات ترامپ با حمایت از قواعد و هنجارهای بین‌المللی همچون برجام در قامت یک معاهده بین‌المللی به یک اولویت در سیاست خارجی اروپا تبدیل شده است؛ سوم، خروج انگلیس، بر شیوه تأمین امنیت آینده اتحادیه اروپا و به خصوص مسئله تروریسم و مهاجرین تأثیر گذاشته است. اروپا معتقد است باید از سازوکارهای جهانی و منطقه‌ای برای مقابله با هرگونه هرج و

مرج و آشوب در مناطق پیرامونی خود جلوگیری کند. حفظ برجام در قالب دیپلماسی چندجانبه به اولویت فوق کمک می‌کند. چهارم، خروج بریتانیا، با خود بر بازار مصرف اتحادیه تأثیرگذار خواهد بود. ایران می‌تواند نقش مهمی در برخی از متغیرهای اقتصادی به خصوص در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی و بازار مصرف کالاهای اروپایی ایفاء کند.

شاخص اول: برگزیت و گسترش ابهام در آینده اروپا

در گزارشی که چالمرز برای نتایج خروج بریتانیا از اروپا تهیه کرده است به این موضوع اشاره شد که برگزیت در موارد مختلفی بر روی آینده اتحادیه اروپا تأثیرگذار است. خروج بریتانیا بر فرایند امنیتی در حوزه اتحادیه اروپا تأثیر منفی برجای خواهد گذاشت. برگزیت می‌تواند باعث کاهش رشد اقتصادی در حوزه پولی یورو و بریتانیا شود. همچنین نیروهای هوا خواه ملی گرا در سرتاسر اروپا از حمایت بیشتری برخوردار خواهند بود. اتحادیه اروپا از طرف دیگر بر تشکیلات جدیدی در حوزه سیاست خارجی خود که ناشی از خروج بریتانیاست تمرکز خواهد کرد. حفظ سطوح همکاری عالی در زمینه مبارزه با تروریسم و جرائم سازمان یافته نیز کماکان مورد توجه اروپاست. از جمله موارد دیگر در ارتباط با خروج بریتانیا از اروپا، آینده همکاری دفاعی بریتانیا با اروپا است. در نهایت میزان همکاری بریتانیا با اروپا در زمینه حمایت از صنایع دفاعی است که به نظر می‌رسد در بلند مدت منجر به کاهش همکاری بین طرفین خواهد بود (Chalmers, 2018, pp.1-3). در واقع، خروج بریتانیا در کنار موارد تأثیرگذار فوق به موضوع امکان خروج دیگر اعضا از اتحادیه اروپا نیز لطمه می‌زند. با اقدام فوق، ابهام نسبت به آینده اتحادیه اروپا شکل می‌گیرد. در کشورهای عضو اتحادیه، با بروز برخی از مشکلات موجی از انتقادات نسبت به اروپا شکل گرفته و حامیان خروج از برگزیت بیش از پیش در کشورهای عضو اتحادیه اروپا قدرتمندتر می‌شوند (Irwin, 2015, p.29).

با خروج انگلیس، اتحادیه اروپا یکی از مهم‌ترین اعضا خود که از قدرت نرم و سخت زیادی در سطح جهان برخوردار بوده است را از دست خواهد داد. بریتانیا در میان اعضا اروپایی خود از منابع عمده قدرت نرم در حوزه‌های دیپلماسی، ارزش‌های سیاسی و فرهنگی برخوردار است. خروج انگلیسی سطح دارایی‌های قدرت نرم اروپا را کاهش می‌دهد. بریتانیا، در زمینه قدرت سخت نیز از توانایی نظامی، سیاست خارجی و مالی مهمی برخوردار است و به‌عنوان مکملی برای نفوذ اروپا در جهان به کار برده می‌شد. بریتانیا پنجمین قدرت نظامی جهان و دارای بزرگ‌ترین منبع صندوق توسعه بعد از آمریکا در حدود ۱۸ میلیارد دلار در سال است. همه موارد بالا با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا کم خواهد شود و در مورد کارایی و نفوذ اتحادیه در بلند مدت ابهام زیادی بوجود می‌آید (Irwin, 2015, p.25). در همین

راستا، اتحادیه اروپا متأثر از سیاست خاورمیانه‌ای خود، مترصد حضور پررنگ در منطقه خلیج فارس است. به دنبال درخواست آمریکا از کشورهای اروپایی برای تشکیل یک ناوگان دریایی در منطقه، اتحادیه اروپا از آن سر باز زد و اعلام کرد که اروپا خواهان ایجاد یک ائتلاف دریایی با محوریت اروپا در منطقه است؛ اما در ادامه بریتانیا متأثر از مسئله برگزیت با کشورهای اروپایی در این زمینه همکاری نکرد و بیشتر به آمریکا گرایش پیدا کرده است. مثال فوق‌گویی رویکرد متفاوت بریتانیا با اتحادیه اروپا در زمینه همکاری در موضوعات بین‌المللی است (fa.euronews.com, September 13, 2019).

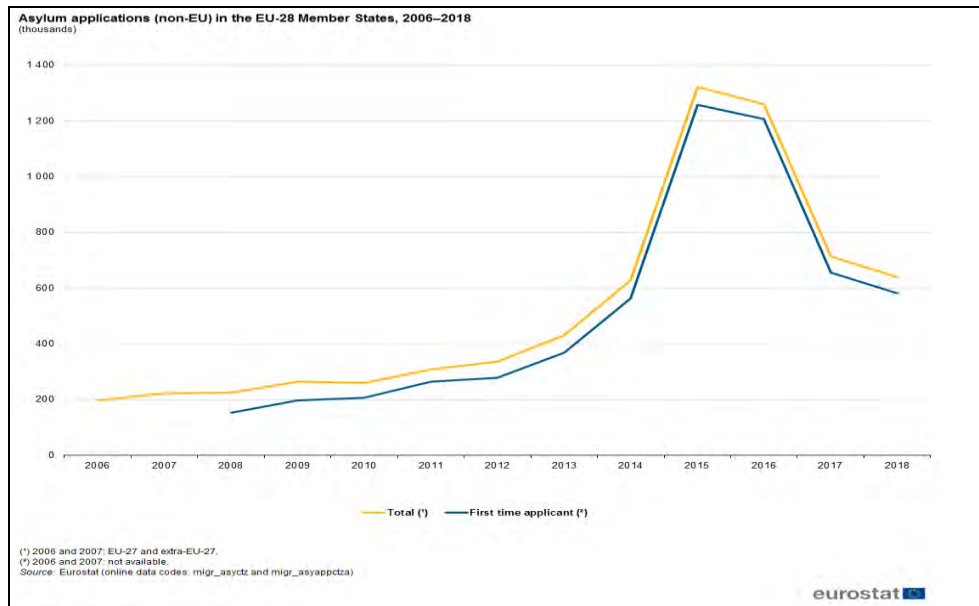
برای مدیریت چالش فوق، موضوعات بین‌المللی می‌توانند در این زمینه به اروپا کمک کنند. موضوع برجام برای اتحادیه اروپا به‌عنوان یک فاکتور مهم در افزایش همگرایی و نمایش قدرت چندجانبه‌گرایی اروپا محسوب می‌شود. اروپا تغییر در سیاست آمریکا در جهان را به‌طور مشخص در مورد نوع نگاه آن کشور به برجام می‌داند. متعاقب اعلام ترامپ مبنی بر خروج از برجام و برگشت تحریم علیه ایران، اروپا در کنار روسیه، چین و بریتانیا تلاش کردند از توافق حمایت کنند و دولت آمریکا را به باقی ماندن در توافق راضی کنند. ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا تعهد خود را نسبت به پایبندی در مورد تعهدات برجام اعلام کردند و اعلام شد که اتحادیه اروپا آمریکا را به ماند در برجام ترغیب می‌کند و آن را در راستای امنیت آمریکا نیز می‌داند و برجام را معماری نوین سیاست منع اشاعه سلاح‌های هسته در سطح بین‌الملل می‌داند (Fiott & Bund, 2018, p.47). توافق هسته‌ای با ایران، یک بیان واضح از حمایت اروپا از نظم جهانی قانون محور است. از منظر اتحادیه اروپا، نظم چندجانبه تنها راه ممکن برای دستیابی به صلح و امنیت در داخل و خارج است (European Union Global Strategy, 2016, p.16). هرچند اتحادیه اروپا از نقش ایران برای مقابله با داعش در خاورمیانه در جهت حفظ ثبات در منطقه حمایت به عمل آورد و تا حدودی زمینه‌ساز نزدیکی بروکسل به تهران شد (Tocci, 2014, p.25)، اما بیشتر از آن موضوع برجام و حفظ آن به مثابه محصول چندجانبه‌گرایی از سوی اروپا مورد توجه قرار گرفته است. منافع و امنیت ملی ایران که در کوتاه و میان‌مدت به توافق جامع هسته‌ای پیوند زده شده، در ابعاد گسترده‌ای با سیاست‌ها و آینده اتحادیه اروپا مرتبط است. در واقع، هرگونه تحول در مجموعه اتحادیه اروپا، تقویت و تضعیف آن و نهایتاً همگرایی یا واگرایی در میان دولت‌های عضو بر این موضوع تأثیر می‌گذارد (Javadi, 2016, p.1).

شاخص دوم: برگزیت و گسترش تفکر ملی‌گرایی

برای اتحادیه اروپا گسترش ملی‌گرایی می‌تواند به بنیان‌ها و مبانی اصلی شکل‌گیری آن لطمه زیادی وارد کند. در صورت گسترش ملی‌گرایی امکان دستیابی به یک اتحاد کامل و همه‌جانبه در بین

کشورهای اروپایی کمرنگ شده و اروپا به دوران قبل از شکل گیری اتحادیه و افزایش رقابت میان همسایگان خود بر می گردد. در این میان دو تحول بزرگ باعث نگرانی اتحادیه از گسترش ملی گرایی در اروپا شد. برگزاری انتخابات در بریتانیا و رأی به خروج از اتحادیه و برگزاری انتخابات در امریکا و پیروزی دونالد ترامپ. ویژگی مشترک دو انتخابات فوق حمایت گروه‌های ملی گرا از این دو جریان است. در بریتانیا حزب استقلال بریتانیا به رهبری ناجیل فاراژ رهبری حزب را بدست گرفت و توانست بعد از سال‌ها مردم بریتانیا را هرچند با اندک رأی بیشتر به سمت خروج از اروپا ترغیب کند. بر اساس این رویکرد داشتن کنترل کامل حاکمیت ملی، کنترل بر روی جریان ورود مهاجرین و در نهایت اتحادیه اروپا بایستی در راستای حاکمیت دولت‌های ملی مستقل کنار زده شود. با اعلام مواضع فوق بریتانیا روند خروج خود از این اتحادیه را آغاز کرده است (Morgan, 2016, p.7). در صورت تداوم این اقدام حاکمیت اروپا مورد شک و تردید کشورهای دیگر قرار خواهد گرفت. در همین راستا جایگاه گروه‌های وابسته به تفکر ملی گرایی در آلمان، اتریش، فرانسه، مجارستان، ایتالیا و برخی دیگر از کشورهای اروپایی بیشتر شد که بیش از هر چیز در نگرانی آنها از ورود بیشمار مهاجرین به اروپا ریشه دارد. در ادامه، در نمودار زیر تعداد متقاضیان پناهندگی به اتحادیه اروپا در فاصله سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ ارائه می‌شود.

خاورمیانه از جمله مناطقی است که از آنجا مهاجرین زیادی به اروپا رهسپار شده‌اند. با تحول فوق اروپا در تلاش است از طریق حمایت از ثبات و امنیت در منطقه چالش بحران مهاجرین را مدیریت کرده و به نارضایتی‌های عمومی شهروندان اروپایی پاسخ دهد. توجه به مقوله امنیت و ثبات در خاورمیانه و حمایت و همکاری با کشورهایی که در صلح و ثبات منطقه از نقش و نفوذ بیشتری برخوردار هستند باعث افزایش توجه به ایران به عنوان یک بازیگر مهم در منطقه خاورمیانه شده است. نکته مهم در آمار ارائه شده از سوی اروپا این است که کشورهای سوریه، عراق و افغانستان در صدر کشورهایی هستند که به اروپا پناهنده اعزام کرده‌اند. اهمیت موضوع زمانی است که سوریه در زمره متحد استراتژیک ایران و دو کشور عراق و افغانستان نیز همسایه ایران محسوب می‌شوند. نقش ایران در تأمین ثبات منطقه خاورمیانه می‌تواند به اروپا برای کاهش تعداد پناهندگان به اروپا بکاهد.



نمودار (۳): تعداد متقاضیان پناهندگی به اتحادیه اروپا (مبنا به هزار نفر)
(Eurostat/Statistics, March 13, 2019)

شاخص سوم: برگزیت و آینده امنیت اتحادیه اروپا

برگزیت یک اتفاق آنی و لحظه‌ای نبود. گسترش طرفداری از این رویکرد و تأکید بر لزوم خروج از اتحادیه اروپا ریشه در نگرانی بود که شهروندان اروپایی و به‌خصوص بریتانیایی در مورد وضعیت امنیت خود داشته‌اند. کاهش قوانین و کنترل‌های مرزی و ورود گروه‌های تروریستی به اروپا و اقدام به انفجار و ناامنی در برخی از شهرهای اروپایی بیش از پیش بر لزوم افزایش کنترل مرزها و مقابله با سیل ورود اتباع دیگر کشورها به بریتانیا بوجود آمد. لذا برای اتحادیه اروپا راضی نگهداشتن دیگر شهروندان خود و حفظ اعتماد به نفس به آنها، تلاش نموده است برای آینده تهدیدات فراروی روی خود برنامه‌ریزی کند. اتحادیه اروپا در سند استراتژی جهانی خود برای قرن بیست و یکم پنج اولویت را برای مدیریت تحولات پیش روی اروپا در نظر گرفته است. تأکید بر امنیت اتحادیه، همکاری با همسایگان شرقی و جنوبی اتحادیه، رویکرد جامع نسبت به بحران‌ها و منازعات، تأکید بر نظم‌های منطقه‌ای و در نهایت حکمرانی جهانی برای قرن بیست و یکم، پنج اولویت استراتژیک اروپا قلمداد می‌شود. در این میان، در سند فوق، در بند پنجم بر لزوم توجه به نظم جهانی چندجانبه تأکید می‌شود. از منظر اتحادیه اروپا نظم جهانی بر

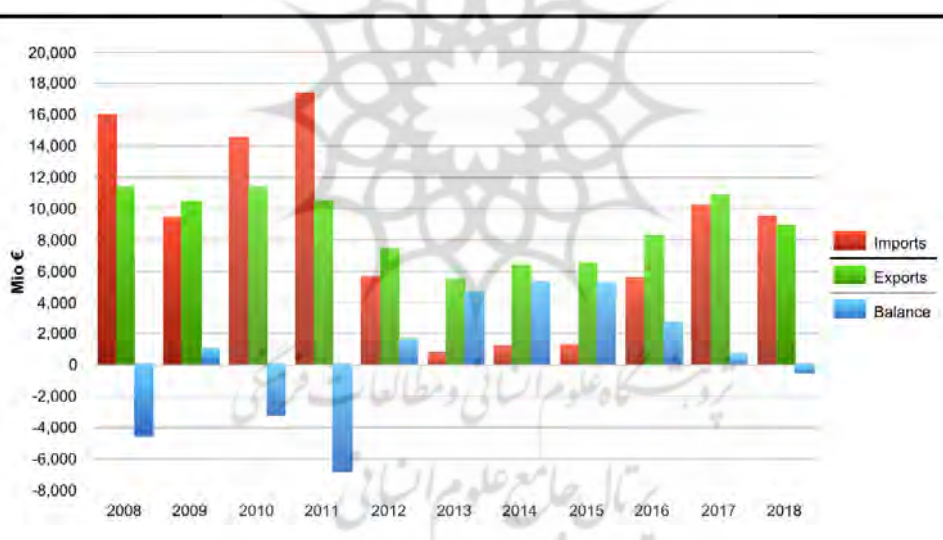
حقوق بین‌الملل و از جمله اصول منشور سازمان ملل متحد استوار است و اروپا تلاش می‌کند از این نظم حمایت کند. در همین راستا موضوع ایران و به خصوص پرونده هسته‌ای به‌عنوان نمادی از نظم جهانی قانون محور یاد می‌شود و اروپا بر اجرای تعهدات و تأکید بر ملزم سازی ایران به رعایت قواعد مبتنی بر چندجانبه‌گرایی تلاش می‌کند (European Union Global Strategy, 2016, pp.39-42).

بریتانیا همراه با فرانسه همواره نقش بسیار مهمی در بسیاری از اقدامات اتحادیه اروپا در زمینه‌های سیاست خارجی، امنیت و سیاست‌های دفاعی بر عهده داشت که با خروجش از این مدار باعث می‌شود که در بسیاری از موارد تلاش‌های اروپا در حوزه بین‌الملل به سرانجام نرسد و با چالش جدی مواجهه شود (Oliver, 2016, p.3). با توجه به اینکه بعد از خروج انگلستان از اتحادیه اروپا، کشورهای فرانسه و آلمان بیشترین نقش را در زمینه هدایت سیاست خارجی اتحادیه اروپا ایفا می‌کنند، و این دو کشور به لحاظ سیاسی - امنیتی ایران را به‌عنوان یک بازیگر غیر قابل اطمینان در نظر می‌گیرند. به ویژه آنکه، انگلا مرکل صدراعظم آلمان اعلام کرده، هیچ‌گونه عادی سازی روابط به لحاظ سیاسی - امنیتی تا زمانی که ایران، اسرائیل را به رسمیت نشناسد امکان‌پذیر نخواهد بود. علاوه بر این بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه اروپا در خصوص برنامه موشک‌های بالستیک ایران ابراز نگرانی نمودند. به‌عنوان مثال؛ ژان مارک آیرو، وزیر خارجه وقت فرانسه اعلام نمود «اتحادیه اروپا در صورت ادامه آزمایش موشک‌های بالستیک و نظامی ایران، آن کشور را مجدداً تحریم خواهد کرد» (Ramani, June 29, 2016). به منظور اجرای توافق هسته‌ای، هیچ نهاد هماهنگ‌کننده دیگری خارج از چارچوبی که رهبری‌اش را اتحادیه اروپا برعهده دارد وجود ندارد. نقش محوری اتحادیه اروپا که با منافع سیاست خارجی انگلستان، فرانسه و آلمان مرتبط است باعث گردیده است که برجام میان چین و روسیه نیز اجماع ایجاد کند و با وجود موانعی که ایالات متحده آمریکا در راستای اجرای کامل تعهدات خویش در خصوص برجام اعمال می‌کند، اما اتحادیه اروپا کماکان در تلاش است برجام همچنان پابرجا باقی بماند و ایالات متحده آمریکا را به پایبندی در قبال تعهداتش در خصوص این معاهده بین‌المللی تشویق کند. در همین راستا راه اندازی سازوکار ملی اینستکس^۱ در اروپا با میزبانی فرانسه و مدیریت آلمان و همکاری و عضویت دیگر کشورهای اروپایی به منظور تداوم همکاری اقتصادی با ایران و حفظ برجام مورد توجه کشورهای اروپایی قرار گرفته است (Murphy May 7, 2019).

^۱. INSTEX

شاخص چهارم: توجه به بازارهای مصرف جایگزین

با روی کار آمدن دولت روحانی اتحادیه اروپا به این نتیجه رسید که انعطاف بیشتری نسبت به ایران اتخاذ کند. اهتمام اتحادیه برای ایجاد نظامی چندجانبه‌گرا در سطح جهان، بازار ۸۰ میلیونی، جایگاه ژئواستراتژیکی، نفوذ ایران در خاورمیانه و خلیج فارس از جمله موارد مهمی هستند که بر اهمیت جایگاه ایران نزد اتحادیه اروپا افزوده است (Sanaei & Rahmati Moghadam, 2015, pp.170-172). اتحادیه اروپا با اینکه بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران تا سال ۲۰۰۸ قلمداد می‌شد و حجم تجارت اتحادیه اروپا با ایران به ۲۷ میلیارد یورو رسیده بود، در دوره تحریم‌ها علیه ایران و کاهش تعاملات، حجم تجارت دوجانبه به کمتر از ۷ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۳ رسید. سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ آغاز لغو تحریم‌های تجاری ایران، شرایط را برای تقویت همکاری‌های اقتصادی و تجاری میان طرفین فراهم کرد. ایران به‌عنوان یک بازار مصرف مناسب برای کالاهای اروپایی تبدیل شد و اتحادیه اروپا تمایل پیدا کرد از این موضوع در جهت افزایش صادرات کالاهای خود به ایران استفاده کند. از طرف دیگر، از دید اتحادیه اروپا، ایران به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در بازار بین‌المللی انرژی تلقی می‌شود. همچنین به‌عنوان یک شریک بالقوه برای سرمایه‌گذاری در کل منطقه است (European Parliament, 2016, p.12). در نمودار زیر میزان مبادلات تجاری اتحادیه اروپا با ایران از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۸ نشان داده شده است.



نمودار ۴: میزان مبادلات تجاری اتحادیه اروپا با ایران از سال ۲۰۰۸-۲۰۱۸ (برحسب میلیون یورو)
(European Commission, 2019: p.3)

همان‌طور که در نمودار فوق مشاهده می‌کنیم حجم معاملات تجاری ایران و اروپا در طی ۱۰ سال گذشته فراز و نشیب زیادی را طی کرده است؛ اما به نظر می‌رسد بعد از برجام میزان معاملات تجاری میان طرفین افزایش پیدا کرده است. با خروج آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌های آمریکا علیه ایران، دولت‌های اروپایی تلاش می‌کنند از طریق سازوکار مالی اینستکس سطح معاملات تجاری خود را با ایران حفظ کنند. این موضوع می‌تواند شرایط را برای گسترش همکاری‌های اقتصادی میان ایران و اتحادیه اروپا فراهم آورد. خروج انگلستان از اتحادیه اروپا می‌تواند رشد اقتصادی جهان به طور عام و رشد اقتصادی اروپا به طور خاص را تحت تأثیر قرار داده و رشد اقتصادی اتحادیه اروپا را کاهش دهد. از طرف دیگر می‌تواند میزان بدهی کشورهای عضو یورو را افزایش داده که در نتیجه در بلندمدت این امکان وجود دارد که اتحادیه اروپا و کشورهای عضو به دنبال توسعه روابط تجاری خود با کشورهای آسیایی از جمله ایران باشند تا بتوانند از میزان تأثیرات منفی خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا بکاهند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد موضوع برگزیت و تأثیر آن بر رویکرد سیاست خارجی اتحادیه اروپا در مورد ایران به بحث گذاشته شود. با بررسی‌هایی که به عمل آمد مشخص شد تأثیر برگزیت بر اتحادیه اروپا به خود منطقه و کشورهای عضو محدود نمی‌شود بلکه خروج بریتانیا دیگر کشورهای را که با اتحادیه اروپا همکاری می‌کنند، تحت تأثیر قرار خواهد داد. خروج بریتانیا از اتحادیه، منجر به افزایش نگرانی کشورهای عضو از گسترش ابهام در مورد آینده اروپا شده است. اروپا در تلاش است از طریق تمرکز بر موضوعات بین‌المللی همچون مسائل مرتبط با ایران کارآمدی خود را در سطح معادلات جهانی حفظ و افزایش دهد و به ابهامات فراروی آینده اتحادیه اروپا پاسخ دهد. از طرف دیگر، برگزیت موجب نگرانی کشورهای اروپایی از گسترش تفکرات ملی‌گرایانه در اروپا است. در همین راستا اروپا تلاش می‌کند از سازوکارهای چندجانبه در سطح بین‌المللی که فلسفه شکل‌گیری اتحادیه اروپا نیز بر آن پایه استوار بوده است حمایت کند. حمایت اروپا از برجام (هرچند به صورت ناقص و منفعلانه) و راه‌اندازی سازوکار مالی اینستکس گویای توجه اروپا به نقش مؤثر ایران در منطقه خاورمیانه است. در شاخص دیگر، گسترش تروریسم در اروپا و متأثر از آن گسترش آمار مهاجرت پناهندگان به اروپا از جمله چالش‌های مهم فرا روی اتحادیه است. از منظر اتحادیه اروپا برای مدیریت بحران مهاجرین لازم است به اقدامات پیشگیرانه دست زده و به حفظ و ثبات و امنیت در منطقه خاورمیانه کمک نمایند. نقش کشور ایران به عنوان یک بازیگر قدرتمند در خاورمیانه می‌تواند به اهداف مورد نظر اتحادیه اروپا کمک کند. در نهایت با وجود اینکه ایران در مقابل بریتانیا از جایگاه مهمی در همکاری اقتصادی اروپا برخوردار

نیست اما اروپا تلاش می‌کند نتایج منفی خروج بریتانیا را از طریق گسترش حوزه همکاری اقتصادی و تمرکز بر بازار مصرف ایران تعمیم بخشد. البته در پایان شایان ذکر است هرچند نمی‌توان بین خروج بریتانیا و ارتباط مستقیم آن با منافع ملی ایران در کوتاه مدت مصادیق عینی و قابل اندازه‌گیری را مشاهده کرد، اما برگزیت به‌عنوان یک موضوع مهم تأثیرگذار بر کارآیی و کارآمدی اتحادیه خواهد بود. در این میان اروپا برای حفظ و نقش خود در معادلات بین‌المللی تلاش می‌کند نتایج ناخواسته ناشی از خروج بریتانیا را مدیریت کند. در این میان ایران می‌تواند از موقعیت پیش آمده در راستای منافع ملی خود استفاده کند. البته اگر بتواند شرایط ایجاد شده از سوی آمریکا علیه خود را مدیریت و از آن گذر نماید.

References

- Aylward, D. (2017). Brexit: The view from Europe. *KPMG economics Insights*, 15 February available at: <https://www.assets.kpmg.com/content/dam/kpmg/uk/pdf/2017/02/brexit-the-view-from-europe-pdf>.
- Bildt, C. (2017). The Six issues that will shape the EU in 2017. *World Economic Forum*, available at: <https://www.weforum.org/agenda/2017/01/the-six-issues-that-will-shape-the-eu-in-2017/>.
- Chalmers, M. (2018). *Brexit and european security*. 16 February. Royal united services institute for defense and security studies.
- Cini, M., & Verdun, A. (2018). *The implications of brexit for the future of europe.*, IN: *Brexit and beyond*. edited by Benjamin Martill and Uta Staiger, London: UCL Press.
- Dehghani Firouzabadi, S. J. (2015). Moderation Discourse in Foreign Policy of Islamic Republic of Iran. *Journal of Foreign Policy*, Volume:28 Issue:1, 2015, 1 – 39. (in Persian)
- Dougherty, J. E., & Pfaltzgraff, J. R. (2001). *Contending theories of international relations: A comprehensive survey*. Translated by Vahid Bozorgi and Alireza Tayyeb. Tehran: Ghoomes. (in Persian)
- Emerson M.; Busse M.; Di Salvo M.; Gros D., & Pelkmans, J. (2017). *An assessment of the economic impact of brexit on the EU27*. Brussels: centre for european policy studies, european parliament: policy department A: economic & scientific policy, available at: [http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2017/595374/IPOL_S TU \(2017\) 595374_EN.pdf](http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2017/595374/IPOL_S TU (2017) 595374_EN.pdf).

- European Commission. (2016). *Trade with Iran. european union*, 16 April, available at:
https://www.International_cooperation/eu_trade_in_goods_with_iran.pdf.
- European Commission. (2017). *Trade in goods with Iran. European Union*, available at: http://trade.ec.europa.eu/doclib/docs/2006/september/tradoc_113392.pdf.
- European Commission. (2019). *European Union, trade in goods with Iran*, Available at:
https://webgate.ec.europa.eu/isdb_results/factsheets/country/details_iran_en.pdf.
- European Union Committee. (2018). UK-EU relations after Brexit. *Authority of the House of Lords*, HL Paper 149, 8 June.
- European union global strategy (2016), *Shared vision, common action: A Stronger Europe*, June, <http://europa.eu/globalstrategy/en>.
- Javadi, M. (2016). *The future of European union after Brexit*. Institute for strategic research, report197, 06 August. (in Persian)
- Fabbrini, F. (2018). Brexit and the future of europe. IN: *Brexit Report, Germany: DCU Brexit Institute*.
- Fiott, D., & Bund, J. (2018). *EUISS yearbook of european Security YES*, EU: European Union Institute for Security Studies.
- Hass, E. (1986). *The uniting of Europe*. Stanford: Stanford up.
- Irwin, R. (2015). *BREXIT: the impact on the UK and the EU*. UK: Global Counsel.
- Khalozadeh, S. (1998). *The British role in the European power politics. Tehran: Institute for Political and International Studies of the Ministry of Foreign Affair*. (in Persian)
- Kardan, A. (2007). *Studies on Europe; special on The England attitude towards the process of Europa integration*. Tehran: Institute for International Studies and Research. (in Persian).
- Morgan, G. (2016). Liberalism, nationalism, and post-Brexit Europe. *Biblioteca della libertà*, 1, 2016 gennaio-Aprile, N. 215. ISSN 2035-5866.
- Murphy, F. (2019). EU-Iran trade vehicle unlikely to meet anti-money-laundering norms: U.S., *reuters*, May7, Available at:
<https://www.reuters.com/article/us-usa-iran-sanctions/eu-iran-trade-vehicle-unlikely-to-meet-anti-money-laundering-norms-u-s-idUSKCN1SD24L>.
- Nicoll, W., & Salmon, T. C. (2001). *Understanding the european union*. New York: Longman.

- Nugent, N. (2018). Brexit yet another crisis for the EU. IN: Brexit and beyond, Edited by B. Martill and U. Staiger. London: UCL Press.
- Nugent, N. (2010). *The government and politics of the European Union*. Translated by Mohsen Mirdamadi, Tehran: Institute for Political and International Studies of the Ministry of Foreign Affairs. (in Persian)
- Oliver, T. (2016). Goodbye Britannia? The International implications of Britain's vote to leave the EU. *Geopolitics, history & International relations*, 8(2), 214-233.
- Oliver, T. (2016). *What impact would a Brexit have on the EU?* DAHRENDORF analysis and LSE ideas, March.
- Office for national statistics. (2017). UK balance of payments. 29 June, The Pink book, available at:
<https://www.ons.gov.uk/economy/nationalaccounts/balanceofpayments/bulletins/unitedkingdombalanceofpayments/ntsthepinkbook/2017>.
- Office for national statistics. (2016). UK trade. January, available at:
<https://www.ons.gov.uk/economy/nationalaccounts/balanceofpayments/bulletins/uktrade/January2016>.
- Ramani, S. (2016). How Brexit will impact Iran. *Huffpost* Jun 29, available at:
https://www.Huffingtonpost.com/entry/how-brexit-will-impairan_us_57732fe8e4b0d24f8fb514cf.
- Ramiro Troitiño, D.; Kerikmäe, T., & Chochia, A. (2018). *Brexit history. reasoning and perspectives*. Switzerland: Springer.
- Sanaei, A., & Rahmati Moghadam, R. (2015). Iran and European Union Relations after Coming to Power of the Eleventh Government, *Studies of international relations journal*, Article 5, Volume 8, Issue 29, Spring, 145-178. (in Persian)
- Schmitter, P. (1969). Three neo-Functional hypotheses about international integration. *International organization*, 23(1), 161-166.
- Tell Cremades, M., & Novak, P. (2017). *Brexit and the european union: General AND Constitutional affairs*. <http://www.europarl.europa.eu/supporting-analyses>.
- Tocci, N. (2014). *Turkey & the european union*. The center on the United States & Europe at Brookings Turkey Project, 1(5), 1-24.
- Ward, M. (2017). Statistics on UK-EU trade. *house of commons*, 31 July, Number 7851.